

نرخ بهینه سود در بانکداری بدون ربای ایران (نقد و بررسی نظریه‌های تعیین نرخ سود)^۱

حسن آقا نظری

استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

hnazari@rihu.ac.ir

حسین کفشگر جلودار

دانشجوی دوره دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)

hkj6066@gmail.com

چکیده

تعیین نرخ بهینه سود بانکی در اقتصاد کشور، موضوع مهمی است که به دلیل تعدد متغیرهای اقتصادی، سیاسی، پولی و مالی، تاکنون اندیشمندان کشور در این زمینه به اجماع کلی نرسیده‌اند. اندیشمندان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی با توجه به متفاوت بودن جنبه‌های حقوقی، اقتصادی و همچنین رعایت جنبه‌های شرعی روش تعیین نرخ بهینه سود از نگاه اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف، نظریه‌های مختلفی را اعلام نمودند. این الگوها و نظریات بیان شده ضمن آشکار ساختن اهمیت و حساسیت تعیین نرخ سود در نظام بانکی بدون ربا، به این نکته نیز دلالت دارد که چارچوب منسجم و نظریه جامعی برای تعیین نرخ سود در جامعه اسلامی ایران به وجود نیامده است؛ ضمن اینکه الگوی عملیاتی مشخصی نیز برای تعیین نرخ سود در نظریات مشاهده نمی‌شود. در این تحقیق سعی شده است معیارها و ملاک‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی تعیین نرخ بهینه سود را مشخص و با استفاده از این ملاک‌ها، بررسی و ارزیابی نظرات صورت گیرد و در نهایت راهکار جایگزین معرفی گردد. نتایج حاکی از آن است که اولاً راهکارها و نظریات بیان شده عموماً جامع و

۱. این مقاله از رساله دکتری آقای حسین کفشگر جلودار با عنوان بررسی فقهی- اقتصادی نرخ سود عقود مبادله‌ای در بانکداری بدون ربا و ارائه مدل عملیاتی نرخ سود بهینه استخراج شده است.

کامل نیستند و با ملاک‌های اسلامی سازگاری حداکثری ندارند؛ ثانیاً نرخ سود قاعده‌مند با الهام از رابطه تیلور می‌تواند روش بسیار مناسبی برای تعیین نرخ سود در اقتصاد ایران معرفی گردد که همه ملاک‌های فقهی و حقوقی و شرعی در آن رعایت شده است و نسبت به بقیه روش‌های بیان شده از جامعیت برخوردار باشد. واژگان کلیدی: نهاد حقوق، قوانین، تحلیل کارکردی، تقیّد به احکام شرعی، ابتدای بر اخلاق.

نرخ سود بانکی یکی از کلیدی‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان در اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شود. نرخ سود بانکی ارتباطی تنگاتنگ و دوطرفه با بخش واقعی و پولی - مالی اقتصاد قرار دارد. از یک سو هر تغییری در نرخ سود، به سرعت بر سطوح مختلف اقتصاد اعم از پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های تولید، تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی، تورم و اشتغال در سطح کلان؛ مقدار سپرده بانکی، مقدار تسهیلات، ترازنامه بنگاه‌ها و بانک‌ها در سطح خرد و نیز بازار دارایی‌های مالی و غیرمالی، تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر تحولات اقتصاد در سطوح مختلف بر تعیین نرخ‌های سود اثر می‌گذارند. علاوه بر این از نرخ بهره به عنوان هدایت‌گر و تنظیم‌گر دیگر بخش‌های اصلی اقتصاد مانند نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی و ... در جهت رسیدن به مقدار هدف‌گذاری شان مورد استفاده قرار می‌گیرد. دامنه گسترده این اثرگذاری‌ها بیانگر نقش کلیدی تغییر نرخ سود در عملکرد اقتصادی هر کشوری است.

قطعاً این اثرگذاری نرخ سود در کشور اسلامی ایران نیز مطرح است و با بررسی علمی و تجربی می‌توان اهمیت و نقش این متغیر و همچنین میزان درجه تاثیرگذاری این متغیر بر اقتصاد کشور را تحلیل نمود. علاوه بر این، نرخ سود و نحوه تعیین آن در قانون عملیات بانکی بدون ربا به صورت نرخ دستوری صلاح‌دید، اگرچه ظاهراً با مبانی اسلامی سازگاری دارد و حتی با شرایط سیاسی و اقتصادی بعد از انقلاب هم همخوانی دارد؛ اما این شیوه هم در مقام عمل لغزش‌گاه‌هایی را ایجاد نموده و هم در برآورده شدن ضرورت‌های دخالت دولت در تعیین نرخ سود دستوری موفقیت‌های لازم را کسب نکرده است و هم در شرایط مختلف اقتصادی، الگوها و مدل‌های مختلف نرخ‌گذاری مورد توجه نبوده و همیشه سیاست مصلحت‌اندیشی در نرخ‌گذاری بر رویکرد قاعده‌مندی مسلط بوده است و هم نقش هدایت‌گری نرخ سود برای متغیرهای هدف مغفول مانده است. در صورتی که در اقتصاد امروزی جهان، نرخ‌گذاری بهره و معادل آن نرخ سود در ایران، اغلب به عنوان یک سیاست پولی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سیاست‌گذار طی آن مقامات پولی برای وصول به رشد اقتصادی، پایداری و ثبات نسبی قیمت‌ها و کاهش بیکاری، کنترل و مهار استفاده می‌کنند.

سیاستی که از یک قاعده مشخص در نرخ‌گذاری پیروی می‌کند و در عین حال، درجاتی از انعطاف‌پذیری را دارا می‌باشد.

لذا با توجه به اهمیت موضوع تعیین نرخ سود از یک طرف و ربوی بودن استفاده از نرخ بهره در اقتصاد متعارف از طرف دیگر باعث شده است که اندیشمندان برای تعیین نرخ سود در اقتصاد اسلامی نظریه‌های مختلفی بیان نمایند. علاوه بر این مفهوم بهینه از نگاه اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف از جهاتی متفاوت خواهد بود؛ چراکه اولاً در اقتصاد اسلامی رعایت جنبه‌های شرعی و تطبیق آن با فقه اسلامی از ضروریات و اولویتهای اصلی روش تعیین نرخ سود است که در اقتصاد متعارف نادیده گرفته می‌شود؛ ثانیاً از نگاه حقوقی، مفهوم برخی معیارها مانند عدالت و شمول آن، در نگاه اسلامی با نگاه اقتصاد متعارف متفاوت خواهد بود و ثالثاً رعایت جنبه‌های اخلاقی در تار و پود اقتصاد اسلامی وارد است و اسلام توجه خاصی به این موضوع دارد که در اقتصاد متعارف این امر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است ابتدا ملاک‌ها و شاخص‌های نرخ بهینه سود از نگاه اسلامی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه همه دیدگاه‌ها و نظریه‌های اسلامی ارائه شده برای تعیین نرخ سود با معیارها و ملاک‌های فقهی - حقوقی - و اقتصادی بیان شده مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد و در نهایت راهکار جایگزین ارائه می‌گردد. از آنجایی که بخشی از موضوع به بررسی نظرات مرتبط است، از بیان پیشینه موضوع صرف‌نظر می‌گردد.

۱. معیارها و ملاک‌های فقهی تعیین نرخ سود بانکی

۱.۱. عاری بودن معیار نرخ سود از شبهه ربا

شاید بتوان گفت که به لحاظ کاربردی، مهم‌ترین مسئله‌ای که بانکداری متعارف را از بانکداری بدون ربا جدا می‌سازد و ضرورت طرح ایده بانکداری اسلامی را مطرح می‌نماید، مقوله «حرمت ربا» می‌باشد. در شرایطی که در اقتصادهای متعارف، بهره بانکی (که نوعی خاص از رباست) تاروپود فعالیت‌های اقتصادی را با خود درگیر نموده، شریعت مقدس اسلام با شدت هرچه تمام‌تر با آن مقابله نموده، آن را از گناهان کبیره برشمرده و مرتکب

شونده این گناه را نه تنها به عذاب اخروی، بلکه به عذاب دنیوی نیز وعده داده است (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۳). نکته اینکه بانک‌های متعارف، هم در جمع‌آوری وجوه (تجهیز) و هم در ارائه آن به متقاضیان (تخصیص) و هم در برخی از بخشی از خدمات بانکی به مشتریان، از عقد قرض همراه با زیاده (نرخ بهره) استفاده می‌کنند، که قطعاً مشکل ربا ظاهر می‌گردد. لذا در بانکداری بدون ربا نرخ بهره حذف و نرخ سود جایگزین شده است. البته نرخ سودی که به صورت دستوری تعیین می‌شود برای عقود مشارکتی و عقود مبادله‌ای متفاوت است. تعیین نرخ سود برای عقود مشارکتی، آن‌هم به صورت دستوری صلاح‌دیدي خلاف شرع است و حرمت دریافت سود قطعی و از پیش تعیین شده در عقود مشارکتی نیز از ماهیت و احکام این عقود نشئت می‌گیرد که سود این عقود باید از نتیجه طرح مشارکتی حاصل آید و توزیع آن پس از هزینه‌ها، به نسبت سهم‌الشرکه طرفین صورت پذیرد. کارکرد سود انتظاری نیز صرفاً آن است که چشم‌اندازی برای طرفین مشخص باشد و بر اساس آن تا قبل از مشخص شدن سود واقعی، بخشی از وجوه به صورت علی‌الحساب و غیرقطعی (تحت عنوان سود انتظاری) در قالب عقد قرض به شرکا اختصاص داده شود، البته مشروط بر اینکه تسویه نهایی بر مبنای سود واقعی در انتهای دوره انجام شود.

بر خلاف عقود مشارکتی، در عقود مبادله‌ای، نیازمند سود انتظاری نیستیم و می‌توان نرخ آن را در ابتدا مشخص نمود؛ اینکه معیار تعیین نرخ سود چه باشد نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ اما نکته مهم فقهی که در اینجا باید مدنظر قرار گیرد مبنای تعیین نرخ سود عقود مبادله‌ای چیست یا اینکه نرخ سود عقود مبادله‌ای از کجا نشئت می‌گیرد؟ اگر نرخ سود این عقود از نرخ بهره بازاری مشتق شده باشد، شاید از جهت چارچوب فقهی اشکال شرعی نداشته باشد، ولی از جهت اقتصادی غیر از نرخ بهره هیچ ملاک مستقل دیگری جهت تعیین به کار گرفته نشده و نمی‌شود. بنابراین تعیین سود ثابت سپرده‌های بانکی و عقود ثابت براساس نرخ بهره بازاری، در تصورات و مفاهیم حقوقی از ربا و بهره فاصله دارد، ولی از جهت اقتصادی نرخ بهره فرمان می‌دهد که نرخ این عقود را چگونه و چه مقدار باید تعیین گردد. در این فرض هیچ اقتصاددانی نمی‌تواند قبول کند که چنین نرخي که مشتق از بهره بازاری است، با بازار بهره فاصله دارد. لذا لازم است نرخ عقود

مبادله‌ای به جای تکیه بر نرخ بهره بازاری، اشتقاق یافته از واقعیت اقتصاد باشد. بر همین اساس آنچه در مدل عملیاتی می‌توان دنبال شود، تعیین نرخ سود عقود مبادله‌ای براساس واقعیت اقتصاد و متغیرهای مهم و اثرگذار باشد.

۱.۲. صوری نبودن معیار نرخ سود بانکی

بانک‌های متعارف سازوکار خود را تا حد ممکن بر سودآوری تنظیم می‌کنند و همه شعب نیز موظفند که سودآوری حداکثری داشته باشند؛ چراکه تداوم و بقای بانک‌ها بر حداکثر کردن سود است و بر اساس همین میزان سودآوری مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بانک‌های اسلامی علاوه بر در نظر گرفتن ملاک سودآوری، باید به صحت عملیات بانکی بر اساس شرع نیز توجه نمایند. از آنجایی که پابندی کامل به قراردادها و صحت شرعی آنها، بعضاً منجر به کاهش سودآوری می‌شود، لذا مشاهده می‌شود در برخی از معاملات بانکی، صحت قراردادها فدای سود می‌شود. بر همین اساس اگر هم بانک مرکزی اقدام به تعیین نرخ سود می‌نماید، بانک‌ها در شرایط مختلف خود را ملزم به تبعیت از آن نمی‌کنند؛ همانطور که بانک‌ها خود را ملزم به بازدهی واقعی سود هم نمی‌دانند و از انجام آن به نحوی سرباز می‌زنند. لذا باید توجه شود که معیار تعیین نرخ سود فقط جنبه شرعی‌سازی قراردادها را پیدا نکند؛ چرا که عدم پابندی همه گروه‌های ذی نفع در بانک به قراردادها و رعایت آن فقط در حد نگارش قراردادها، منجر به صوری شدن قراردادها در عمل و بطلان آن می‌شود. البته بخشی از مشکل عدم پابندی بانک‌ها از نرخ سود دستوری به نحوه تعیین نرخ سود دستوری صلاح‌دید تصمیم‌گیران در نظام بانکی برمی‌گردد؛ خصوصاً در زمانی که کشور دچار تورم شده و هم بانک‌ها و هم سپرده‌گذار و هم تسهیلات‌گیرنده، نرخ‌های متفاوت از نرخ سود صلاح‌دید را پیشنهاد و اجرا می‌کنند.

۱.۳. ضرورت جبران کاهش ارزش پول در شرایط تورمی

از جمله مواردی که در تعیین نرخ سود باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به شرایط تورم در تعیین نرخ سود است که البته توضیح آن در ادامه خواهد آمد؛ اما نکته فقهی که در اینجا نباید از آن غافل بود، بحث ضرورت جبران کاهش ارزش پول است که عموماً در معاملات مثل قرض یا فروش نسبه و... رخ می‌دهد. در این خصوص اگر چه برخی از فقها در این

مسئله با هم اختلاف نظر دارند اما اکثر فقها و اندیشمندان قائل به جبران کاهش ارزش پول در شرایط تورمی (شدید) شدند و مبنای آن می‌تواند قاعده «ممنوعیت ضرر» باشد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶: ۲۸) حال برای عملیاتی این امر، باید نرخ سود را متناسب با شرایط اقتصادی تغییر داد. اگر تعیین نرخ سود به بازار واگذار گردد در شرایط ایدئال بازار، این امر محقق می‌شود؛ اما در صورتی که نرخ به صورت دستوری تعیین می‌گردد، عموماً این امر متناسب با صلاحدید سیاست‌گذار دستخوش تغییرات غیر منطقی قرار می‌گرفته و نرخ‌گذاری صحیح انجام نمی‌شود. لذا تعیین نرخ سود بر اساس قاعده‌مندی مشخص، متناسب با واقعیت اقتصادی کشور همراه با درجات متفاوت از صلاحدید برای مواقع بحران ملاک فوق را عملی خواهد کرد.

اگر نرخ تورم در جامعه افزایش یابد و به تبع آن شکاف تورمی و فاصله نرخ تورم واقعی از نرخ تورم هدف‌گذاری شده افزایش یابد رود انتظار این است که نرخ سود در جهت کاهش شکاف تورمی افزایش یابد. نتیجه اینکه تعیین نرخ سود بر اساس قاعده‌مندی مشخص، متناسب با واقعیت اقتصادی کشور ملاک فوق را عملی خواهد کرد؛ مگر اینکه نرخ تورم از حد مشخص بالاتر رود و یا تورم شدید در جامعه حاکم گردد. در این صورت مصلحت مهم‌تر حاکم خواهد بود.

۱.۴. رعایت اخلاق اسلامی در تعیین نرخ سود

یکی دیگر از اصول بنیادین بانکداری و مالی اسلامی، سازگاری تمامی رفتارها میان تمامی ذینفعان نظام بانکی با اخلاق اسلامی است. به عبارت دیگر، لازم است مناسبات میان تمامی کنشگران حوزه بانکداری اسلامی به گونه‌ای تنظیم گردد که سازگاری حداکثری با اخلاق اسلامی^۱ داشته باشد. علی‌رغم وجود اختلافات گوناگون میان صاحب‌نظران در مقوله تعریف بانکداری اخلاقی، به نظر می‌رسد در مجموع می‌توان بانکداری اخلاقی را نوعی فعالیت بانکی دانست که علاوه بر داشتن اهداف متعارف نظام بانکی (مانند حداکثرسازی سود بانکی)، تلاش دارد تا با احترام به حقوق آحاد جامعه، حفظ ثبات نظام اجتماعی

۱. منظور از اخلاق اسلامی، مجموعه دستورات اخلاقی و دینی است که در قرآن، احادیث و یا سیره معصومین وجود داشته و یا سایر کارها و فعالیت‌هایی است که از دیدگاه عرف و عقل غالب انسان‌ها، اخلاقی به حساب می‌آیند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

اقتصادی، صیانت از محیط زیست و ارتقای سطح اعتماد و اطمینان عمومی به صنعت بانکداری، به بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه کمک برسانند. البته مسلم است که تمامی بانک‌های با اهداف اخلاقی، به یک درجه به این مسائل توجه دارند؛ بلکه هر یک از آن‌ها با در نظر گرفتن شرایط خاصی که در آن قرار دارند، انتظارات مشتریان و عامه مردم و غیره، به میزان مشخصی به این اهداف توجه می‌نمایند. (قلیچ، ۱۳۹۰، گزارش) اما در بانکداری اسلامی انتظار این است که با انتخاب شیوه‌های درست مدیریت کلان بانکی و سیاست‌گذاری صحیح و قاعده‌مند، اعتماد و اطمینان به نظام بانکی در کنار سایر اهداف محقق گردد. یکی از این ابزارها، همین نرخ سود است.

۲. معیار و ملاک‌های حقوقی تعیین نرخ بهینه سود

۲.۱. عدالت در سهم‌بری همه ذی‌نفعان در مقدار سود محقق‌شده

در نظام مالی اسلام، لازم است تمامی روابط و مناسبات در چارچوب عادلانه تدوین گردند و هرگونه رابطه‌ای که با معیارهای عدالت ناسازگاری قطعی داشته باشد، کنار گذاشته شود. بنابراین، لازم است در هر نوع ایده‌پردازی، نظریه‌پردازی، طراحی ابزار و مدل‌سازی در بانکداری و مالی اسلامی، به مسئله عدالت توجه شود. عدالت در سهم‌بری با توجه به تعاریف مختلف، به این معنی است که اولاً همه افرادی که در سیستم بانکی مشارکت دارند تا یک فعالیت اقتصادی شکل بگیرد، حق برخورداری از سود ایجاد شده دارند و ثانیاً عدالت ایجاد می‌کند به هریک از ذی‌نفعان به اندازه میزان در مشارکت تولید سهم داده شود و سود ایجاد شده در یک فعالیت اقتصادی بین ذی‌نفعان به اندازه‌ای که سزاوار آن هستند، پرداخت شود. این امر توجه به نحوه توزیع سود و مقدم بر آن، نحوه تعیین نرخ سود در نظام بانکی را بیش از پیش مهمتر می‌سازد تا حقوق افراد در نظام بانکی رعایت شود.

البته در عقود مبادله‌ای که مشارکت شکل نمی‌گیرد باز هم عدالت در سهم‌بری ضروری است؛ در عقود مبادله‌ای نرخ سود باید به گونه‌ای تعیین گردد که هم سپرده‌گذار به حقوق خود برسد و هم نظام بانکی، کارمزد و هزینه‌های واسطه‌گری را دریافت نماید و هم سپرده‌پذیر متناسب با شرایط اقتصادی کشور نرخ سود لازم راپردازد و هم دولت و تصمیم‌گیران بانکی به اهداف خود از نرخ‌گذاری دستوری دست یابند و هم جامعه و مردم از آثار این نوع سیاست‌گذاری منتفع گردند. این مطلب بیانگر این است که تعیین نرخ سود به

صورت دستوری صلاحیدیدی ممکن است همه جوانب آن را در نظر نگیرد. حوزه‌های اقتصاد کلان بسیار پیچیده بوده و نیاز به دانش و تخصص دارد که عموماً سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران در حوزه صلاحیدیدی فاقد صلاحیت‌های تخصصی در این زمینه هستند و این مسئله سبب تصمیم‌گیری‌های اشتباه اقتصادی شده که تصحیح و اصلاح آنها به‌سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲,۲. عدالت و انصاف در تعیین مقدار نرخ سود

علاوه بر عدالت توزیعی که توضیح آن گذشت، عدالت ایجاب می‌کند که در تعیین نرخ سود بانکی انصاف، توازن و تعادل نیز رعایت شود. بدین منظور رعایت موارد ذیل ضروری به‌نظر می‌رسد:

الف) انصاف در تعیین نرخ سود این ست که نرخ به گونه‌ای تعیین شود که متناسب با بازدهی واقعی فعالیت اقتصادی در نظام بانکی باشد و تعیین نرخ به کمتر از نرخ بازدهی و یا بیشتر از آن در جهت حمایت از یک فعالیت خاص در جامعه، متناسب با انصاف نیست. چرا که اگر نرخ سود تعیین شده کمتر از واقع تعیین شود در حقیقت بخشی از سهم ذی‌نفعان در راستای برخی مصالح هزینه می‌گردد که این با عدالت در نظام بانکی در تناقض است؛ مگر اینکه تعیین نرخ سود کمتر و یا بیشتر از مقدار واقعی آن، مصحلت مهم‌تری به همراه داشته باشد یا خود این امر (یعنی عدم رعایت تناسب بین نرخ سود دستوری و مقدار واقعی) منجر به رعایت عدالت در مراحل بعدی گردد.

ب) توازن در تعیین نرخ سود ایجاب می‌کند که نرخ سود متناسب با دیگر فعالیت‌های اقتصادی در بازارهای مختلف مانند بازار بازدهی ارز، بازار بازدهی سهام و... باشد تا بین بخش‌های مختلف بازار مالی توازن ایجاد شود. البته باید به نقش تنظیم‌گری و توازن بخشی نرخ سود توجه نمود؛ به این معنی که در برخی شرایط اقتصادی کشور، رعایت نکردن تناسب بین نرخ سود و نرخ بازدهی دیگر بخش‌های اقتصادی خود عاملی برای ایجاد توازن در دوره بعد می‌گردد.

ج) تعادل در تعیین نرخ سود هم ایجاب می‌کند که نرخ به گونه‌ای باشد تا بین عرضه و تقاضای وجوه سرمایه‌گذاری شده تعادل برقرار شود. تعیین نرخ سود کمتر از نرخ واقعی باعث می‌شود مقدار تقاضای وجوه در نظام بانکی افزایش یابد و بانک با کمبود منابع برای

تخصیص مواجه شود و به تبع آن صف برای دریافت وام ایجاد می‌شود و بلعکس با افزایش نرخ سود بیش از نرخ واقعی آن، کاهش در تقاضای وجوه و افزایش وجوه سرمایه‌گذاری شده رخ دهد. همچنین نرخ سود به گونه‌ای تعیین گردد تا با اثرگذاری و هدایت دیگر متغیرهای مهم در جامعه به مقدار هدف گذاری شده رهنمون گردد. البته باید دقت نمود که در شرایطهای مختلف اقتصادی (مانند شرایط رکودی و تورمی و تورمی شدید) کدام مدل عملیاتی، می‌تواند انصاف، توازن و تعادل در تعیین نرخ سود را به همراه داشته باشد و همزمان بتواند جنبه هدایتگری داشته باشد بحث دیگری است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۲.۳. دخالت دولت در نظام بانکی در شرایط غیر عادی اقتصاد کشور

در نگاه اقتصاد اسلامی می‌توان برای دولت جایگاهی مانند نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار و حمایت از قیمت عادلانه (رضی، ۱۳۹۵، ص ۴۳۸؛ حکیمی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۴) و ... قائل بود. علاوه بر این دولت از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد، جامعه را تنظیم می‌کند و در برخی مواقع هم دولت در اقتصاد دخالت می‌کند تا هزینه معاملاتی را کاهش دهد. در خصوص نظام بانکی و همچنین نرخ سود بانکی نیز همین امر صادق است. عدم دخالت دولت در نظارت بر نرخ سود بانکی در برخی از شرایط اقتصادی کشور (مانند رکود یا تورم شدید) نه تنها ما را به وضع ایدئال نمی‌رساند، بلکه باعث عدم تعادل در کل جامعه خواهد شد. گاهی این عدم تعادل باعث خروج پول از نظام بانکی و ورود آن به دیگر بخش‌های سرمایه‌گذاری و بر هم زدن تعادل در دیگر بازارها می‌شود. گاهی هم این عدم تعادل با ورود پول بیش از حد به نظام بانکی و رکود در دیگر بازارهای سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد. لذا حضور دولت برای برقراری ثبات و تعادل در همه بازارها از جمله بازار مالی (پول) ضروری است. نکته اینکه اگر چه می‌توان برای تعیین نرخ سود در شرایط طبیعی بازار یک الگوی قاعده‌مند و بر پایه واقعیت تنظیم نمود اما در برخی شرایط (شرایط غیر طبیعی بازار) حضور دولت به عنوان عامل تثبیت‌کننده و عنصر مصلحت‌اندیش ضروری می‌شود تا با دخالت در اقتصاد، تعادل را در جامعه ایجاد نماید.

۳. معیار و ملاک‌های اقتصادی تعیین نرخ بهینه سود

۳,۱. رعایت کارایی و بهره‌وری (اثربخشی، حداکثر رفاه با حداقل تبعات اجتماعی)

در نظام بانکی و در تعیین نرخ سود رعایت اصل کارایی ضروری است؛ به این معنی که اولاً نرخ سود بتواند حداکثر سود را در نظام بانکی برای همه گروههای ذینفع در نظام بانکی ایجاد نماید، ثانیاً نرخ سود بتواند اثربخشی لازم را داشته باشد و ما را به اهداف تعیین نرخ سود به صورت دستوری از طرف بانک مرکزی رهنمون سازد و ثالثاً نرخ سود تعیین شده، حداقل هزینه‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر منظور از کارایی در نرخ سود هم حداکثر رفاه دینفعان مدنظر قرار گیرد و هم تبعات اجتماعی این نوع از نرخ‌گذاری به حداقل برسد.

۳,۲. قابلیت هدایت‌گری در اقتصاد

از آنجایی که نرخ سود یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر دیگر نرخ‌های بازاری و همچنین متغیرهای کلان اقتصادی است. لذا می‌توان از این نرخ برای هدایت‌گری در اقتصاد استفاده نمود. به این معنی که با تغییر نرخ سود هم می‌توان دیگر نرخ‌های بازاری را تغییر داد و هم برای هدایت متغیرهای مهم اقتصادی به سطح مشخص می‌توان از تغییرات نرخ سود استفاده کرد. البته برای جنبه هدایت‌گری نرخ سود در اقتصاد اسلامی این سؤال وجود دارد اینکه اگر نرخ سود بنا به ملاحظات سیاست‌گذاری، کمتر یا بیشتر از مقدار واقعی آن نرخ‌گذاری گردد، چه توجیه فقهی دارد؟ اولاً سیستم بانکی و همه گروههای ذی‌نفع باید بدانند که بانک فقط جنبه سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی را ندارد، بلکه وظیفه ثبات‌بخشی به اقتصاد را نیز برعهده دارد؛ ثانیاً گروههای ذی‌نفع در نظام بانکی فقط محدود به سپرده‌گذار، بانک و سپرده‌پذیر نیست؛ بلکه احاد مردم و جامعه نیز باید از منافع آن منتفع گردد؛ لذا ایجاد تعادل و هدایت متغیرهای هدف به سمت هدف‌گذاری شده، از اهم وظایف نظام بانکی است که نفع آن برای همه گروههای ذی‌نفع خواهد بود. ثالثاً در نظر گرفتن این هدف برای نظام بانکی در راستای بانکداری اسلامی خواهد بود.

۳,۳. قابلیت اجرایی و عملیاتی شدن روش تعیین نرخ سود در جامعه

مدل تعیین نرخ سود علاوه بر انعطاف‌پذیری و هدایت‌گری و انطباق‌پذیری با شرایط جامعه، بتواند جنبه عملیاتی پیدا کند. یعنی مکانیسمی برای نرخ سود بیان گردد که بتواند در جامعه به صورت صحیح و نه صوری و غیرواقعی اجرایی گردد.

۳,۴. قابلیت انعطاف و تطبیق‌پذیری با شرایط اقتصاد

باید توجه داشت که نرخ سود اعلامی باید به گونه‌ای مدل سازی شود که بتواند در شرایط مختلف اقتصادی هم تغییرات همسو داشته باشد و هم قابل تطبیق با شرایط موجود در اقتصاد باشد. عدم انعطاف و تطبیق‌پذیری علاوه بر مشکل فقهی، مشکلات دیگری ازجمله هدررفت منابع، تخصیص ناکارای منابع و رقابت ناسالم را به وجود می‌آورد.

۳,۵. توجه ویژه به دوره‌های رونق و رکود اقتصادی

آنچه در تعیین نرخ سود بهینه مهم است رسیدن به حداکثر رفاه یا حداقل زیان اجتماعی است. در برخی مواقع بهینه اقتضا می‌کند از شیوه قاعده‌مند استفاده شود و در برخی مواقع به‌خاطر مصلحت مهم‌تر، بهینه اقتضا می‌کند از شیوه صلاح‌دیدی برای تعیین نرخ سود استفاده گردد. در اقتصاد ایران نیز شیوه بهینه‌یابی متناسب با شرایط رکود و تورم تغییر می‌کند. در شرایط عادی و نرمال که تقریباً وضعیت باثبات در اقتصاد وجود دارد تعیین نرخ سود بر اساس قاعده‌مندی قطعاً کاراتر خواهد بود و می‌توان از روش قاعده‌مند برای نرخ‌گذاری استفاده نمود (یعنی تعیین نرخ سود دستوری قاعده‌مند) اما وقتی کشور دچار رکود شدید یا تورم شدید شود در این صورت برای برقراری ثبات و تعادل در اقتصاد، دخالت دولت‌ها (و نظام بانکی) در اقتصاد و انجام سیاست‌های طرف تقاضا یا عرضه مناسب و استفاده از تمام ظرفیت‌های جامعه لازم و ضروری است. در این شرایط حساس، تعیین نرخ سود به صورت دستوری خشک و غیرانعطاف‌پذیر کارکرد خود را از دست داده و کارا نخواهد بود و می‌بایست نرخ سود با درجاتی از صلاح‌دید را جایگزین کرد. البته درجه صلاح‌دید متناسب با شرایط رکودی و تورمی تغییر خواهد کرد.

۳,۶. در نظر داشتن ارتباط نرخ سود با برخی متغیرهای اثرگذار (توجه به عوامل اثرگذار در تعیین نرخ سود)

هرگونه تغییر یا تعیین در نرخ سود بایستی به شاخص‌های کلان اقتصادی و عوامل موثر بر آن مرتبط باشد. لازمه این امر شناسایی عوامل موثر بر نرخ سود است که مهمترین این عوامل عبارتند از: عرضه و تقاضای وجوه بانکی؛ نرخ تورم؛ نرخ رشد اقتصادی؛ تراز پرداخت‌ها، بازدهی سایر دارایی‌ها؛ ریسک و عدم اطمینان و ... (ر.ک: کفشگر، ۱۴۰۰، ص ۱۵۰-۱۵۶).

۴. تحلیل و بررسی نظریه‌های تعیین نرخ سود در نظام بانکی

اندیشمندان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی نظریه‌های مختلفی برای تعیین نرخ سود اعلام نمودند. برخی از این نظریه‌ها، به تعیین معیار برای نرخ سود عقود اشاره دارد و برخی دیگر از نظریه‌ها نیز به دنبال مدل‌سازی تعیین نرخ سود هستند. در ادامه این نظریه‌ها بیان و با استفاده از معیارهای و ملاک‌های تعیین نرخ بهینه سود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴,۱. نرخ بازدهی سهام مبنای تعیین نرخ سود واقعی عقود ثابت

برخی از محققان اقتصاد اسلامی از جمله خان (۱۹۸۷) و میرآخور (۱۹۸۸) به صورت مشخص‌تر از نرخ بازدهی سهام به عنوان راهنما برای تخصیص سرمایه نام برده‌اند. خان و میرآخور معتقدند بازده از پیش تعیین شده‌ای برای ارزش اسمی سپرده از طرف بانک تضمین نمی‌شود، بلکه سپرده‌گذار سهام‌دار بانک تلقی می‌شود و لذا در سود به‌دست‌آمده بانک سهیم است (خان و میرآخور، ۱۳۷۰: ۵۱).

بانکی که سپرده‌های سرمایه‌گذاری را ارائه می‌کند، هیچ گونه تضمینی برای ارزش (مبلغ) اسمی سپرده‌ها در نظر نمی‌گیرد و نرخ بازده ثابتی نیز برای آنها تعیین نمی‌کند. در عوض با سپرده‌گذار طوری رفتار می‌شود که گویی سهام‌دار بانک است و استحقاق آن را دارد که در سود به دست آمده برای بانک سهیم شود (خان و میرآخور، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

خان و میرآخور و همچنین دیگران به صورت عملی نیز معیارهایی را برای تعیین نرخ بازدهی سرمایه در اقتصاد بیان نموده‌اند. بر اساس روشی که میرآخور پیشنهاد می‌کند در

اقتصادی که فاقد ابزارهای بدهی است، میتوان هزینه سرمایه را در غیاب نرخ بهره بازار محاسبه نمود. روش پیشنهادی میرآخور مبتنی بر تکنیک Q توبین است.

$$\left(\frac{\text{ارزش شرکت در بازار سهام}}{\text{ارزش دفتری - بدهی شرکت}} = Q \text{ tobin} \right)$$

بر اساس رابطه فوق کیوتوبین از تقسیم ارزش بازاری یک بنگاه در بازار سهام بر ارزش جایگزینی آن به دست می‌آید. هر قدر این نسبت بیشتر باشد به معنای بالاتر بودن ارزش دارایی‌های شرکت در بازار سهام است. لذا هر چه قدر عملکرد شرکت نزد سهام‌داران بهتر باشد، تقاضا برای سهام آن افزایش می‌یابد که موجب افزایش قیمت سهام شرکت و ارزش آن خواهد بود و بلعکس شرکتی که عملکرد آن از نظر سهام‌داران بد باشد ارزش آن و در نتیجه کیوتوبین کاهش می‌یابد.

خان نیز بیان می‌دارد اقتصادی را در نظر بگیرید که بانک‌ها تنها واسطه‌هایی هستند که پس‌انداز را به سرمایه‌گذاری مرتبط می‌سازند. این بانک‌ها را می‌توان شرکت‌های سهامی فرض کرد که سهام (یا سپرده‌ها) منتشر می‌کنند و درآمدشان از محل سرمایه‌گذاری به دست می‌آید. ارزش واقعی سهام (یا سپرده) بانک‌ها را می‌توان از فرمول زیر به دست آورد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰: ۵۷-۵۸):

$$\left(\frac{\text{ارزش اسمی سهام}}{\text{سطح قیمتها}} = \frac{s}{p} \text{ یعنی } \frac{\text{درآمد واقعی}}{\text{بازده واقعی سپرده}} = \frac{s}{p} \right)$$

حق و میرآخور (۱۹۹۹) هم شاخصی تلفیقی از بازدهی سهام در بازارهای داخلی و خارجی است، ولی آن نیز نهایتاً در انتخاب ضرایب، دست سیاست‌گذاران را باز می‌گذارد و با توجه به وزن‌هایی که به متغیرهای مختلف از این طریق داده می‌شود، به شاخصی سلیقه‌ای و بسته به ترجیحات سیاستگذار بدل می‌شود. اینها در تلاشی که برای نرخ‌گذاری انتظاری بر انتشار اوراق مشارکت ملی به عمل آورده‌اند، تصریح می‌کنند که نرخ بازدهی این اوراق بایستی از بازده بخش حقیقی اقتصاد منتج شده باشد. لذا ضروری است که نرخ که مبنای انتشار این اوراق قرار می‌گیرد، نباید متاثر از جریان‌ها و رفتار سفته‌بازانه و ثروت‌های

بادآورده که در بخش خصوصی و بازارهای مالی وجود دارد، قرار گیرد. در نظریه دیگری که برگرفته از نحوه تعیین نرخ بهره در اقتصاد سرمایه‌داری است، برخی عرضه و تقاضای پول به همان سبک و سیاق اقتصاد سرمایه‌داری و در قالب مدل‌هایی که شامل تقاضای سفته‌بازی برای پول نیز است، اقدام به تعیین نرخ بهره نموده‌اند (Iqbal, Z. and Mirakhor, A. 1999).

نقد و بررسی

در این نظریه اگر چه معیاری برای تعیین نرخ سود با استفاده از نرخ بازدهی سهام به عنوان راهنما ذکر شده است و در مواردی معیارهای فقهی و حقوقی و اقتصادی رعایت شده است؛ اما این نظریه نیز دارای ایرادهای اساسی است:

۱. بازارهای سهام از جریان‌ات فصلی، سیاسی و رفتارهای سوداگرانه تأثیر می‌پذیرد.

۲. بازدهی سهام یک شرکت نمی‌تواند بیانگر عملکرد واقعی شرکت باشد؛ زیرا شرکت می‌تواند برای جذب سرمایه‌گذاران بازدهی سهام خود را به طور کاذب بالا نشان دهد. همین امر باعث می‌شود که این نرخ قابلیت انطباق با واقعیت اقتصاد را نداشته باشد.

۳. به دلایلی از جمله غیرواقعی بودن ارزش بازاری و دفتری شرکت‌ها، صورت و مخرج Q توپین در ایران به‌درستی قابل محاسبه نیست؛ چون به دلیل شرایط تورمی، ارزش دفتری دارایی‌ها با ارزش واقعی آنها همخوانی ندارد و قوانین مالیاتی نیز مانع از استقبال شرکت‌ها از تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت می‌شود. در عموم کشورها شرکت‌های بورسی موظف به آزاد نگاه داشتن بخشی از سهام خود و عرضه آن در بازارند. این الزام در ایران وجود ندارد. شرکت‌ها می‌توانند با فروش تنها یک درصد از سهام خود به چند برابر قیمت

واقعی به یکی از شرکت‌های تابعه، ارزش شرکت را در بازار به صورت غیر واقعی نشان دهند. در عموم کشورها شرکت‌ها از معاملات ساختگی منع می‌شوند و موظف به عرضه سهامند و نمی‌توانند با عرضه تنها درصد اندکی از سهام قیمت و ارزش خود را به صورت کاذب افزایش دهند. به این ترتیب صورت و مخرج کسر Q توبین در ایران به‌درستی قابل محاسبه نیست (مهدوی و میدری، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

۴. لازمه استفاده از چنین روشی وجود بازارهای کارای سهام است که در آن اطلاعات با شفافیت کامل در دسترس همگان قرار دارد. عدم وجود چنین شرایطی سبب شده است که استفاده از شاخص‌های بازار سهام برای تعیین جهت و اندازه نرخ بازدهی سرمایه در اقتصاد قابل اتکا نباشد. لذا راهنما قرار دادن این نرخ برای تعیین نرخ سود باعث انحراف در منابع بانکی و عدم انطباق نرخ با واقعیت اقتصاد ایجاد شود.

۵. در شرایط رکودی یا تورمی شدید بازدهی سهام به شدت تحت تاثیر قرار می‌گیرد این در حالی است که برای کنترل بازار و ایجاد ثبات در جامعه نمی‌توان نرخ سود را به شدت بالا برد یا به شدت کاهش داد. منظور اینکه در شرایط خاص اقتصادی نمی‌توان فقط به شرایط بازار توجه نمود؛ بلکه برای ایجاد ثبات در کشور به عنوان یک مصلحت مهم‌تر، برخی دخالت‌های خارج از قاعده‌مندی و به‌صورت صلاح‌دیدگی برای اثربخشی نرخ‌ها لازم و ضروری است.

۶. به دلایل اشاره شده در بالا، نرخ بازدهی سهام قابلیت هدایت‌گری در بازار را ندارد.

۷. راهنما قرار دادن نرخ بازدهی سهام برای نرخ سود بانکی به جهت ریسک‌هایی (عدم اطمینان) که متوجه این دو بازار است، قطعاً متفاوت خواهد بود.

۸. علاوه بر تمام موارد فوق، در تحقیقی که - با عنوان بررسی همگرایی بلندمدت نرخ سود بانکی با بازدهی بازار سهام - در ایران با استفاده از روش کرانه‌ها برای دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۹ صورت گرفته، نشان می‌دهد که هیچ رابطه بلند مدتی بین دو متغیر سود کوتاه مدت بانکی و بازدهی سهام وجود ندارد (محسنی زنوزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵).

۴.۲. نرخ بهره بین‌المللی مینا و راهنمای تعیین نرخ سود بانکی

برخی اندیشمندان روش دیگری را با استفاده از نرخ‌های بین‌المللی پیشنهاد دادند. از آنجایی که بیشتر بانک‌های اسلامی چون معیار مستقلی از هزینه فرصت سرمایه که منطبق بر کارکردها و مجوزهای غیرربوی باشد ندارند. لذا نرخ‌های بهره بین‌المللی (مانند نرخ رسمی بهره بین بانکی لندن (LIBOR)^۱) را مینا قرار می‌دهند و نرخ سود خود را با آن هماهنگ می‌کنند تا مطمئن شوند در مسیر جهت‌گیری عمومی حاکم بر

۱. LIBOR از حروف اول **L**ondon **I**nter **B**ank **O**ffered **R**ate گرفته شده است. نرخ لایبور عبارت است از میانگین نرخ بهره بین بانکی که بانک‌ها در کوتاه‌مدت به یکدیگر وام می‌دهند. درست است که نام لندن در ابتدای این مخفف آمده است اما مهم نیست که این بانک‌ها متعلق به کشور انگلیس باشند، بلکه می‌توانند چندین بانک از چندین کشور مختلف باشند. مرجع تعیین‌کننده نرخ بهره لایبور مانند نرخ بهره فدرال یا نرخ تنزیل نیست که توسط بانک مرکزی تعیین شود، این نرخ توسط هیچ‌کس به‌تنهایی تعیین نمی‌شود، بلکه میانگینی است از نرخ‌های بهره میان بانکی هر روز انتشار می‌یابد. درواقع این مؤسسه فقط یک نظرسنجی از ۱۶ بانک بزرگ دنیا نسبت به نرخ وامی که بین آنها رد و بدل می‌شود، انجام می‌دهد. ابتدا نرخ‌ها را به روش صعودی در جدولی رتبه‌بندی می‌کنند و چهار بانک از کمترین نرخ‌ها را به همراه چهار بانک از بیشترین نرخ‌ها از جدول حذف می‌کنند. در نهایت ۸ بانک باقی می‌مانند که نرخ‌های این‌ها با یکدیگر و بر تعداد ۸ تقسیم می‌شوند و نرخ بدست آمده همان نرخ لایبور می‌باشد. سپس مؤسسه نرخ‌ها را به تمام ارزها منتشر می‌کند. مرجع تعیین‌کننده نرخ بهره لایبور بانک مرکزی یا دولت نیست، بلکه میانگینی است از نرخ‌های بهره میان بانکی چندین بانک بزرگ دنیا است که توسط موسسه‌ای پایش و استخراج می‌شود و مبنای تمام ارزها قرار می‌گیرد.

بازارها حرکت می‌کنند. در همین راستا برخی از پژوهش‌گران حوزه بانکداری بدون ربا راه حل هدایت نرخ سود دستوری به سمت سودهای تعادلی را توصیه و در این راستا چنین تصریح می‌کنند: «پیشنهاد می‌شود در گام نخست نرخ‌های بانکی ایران اعم از نرخ‌های سپرده‌ها، نرخ‌های تسهیلات و حاشه سود بانکی، به نرخ‌های بین‌المللی، به‌ویژه نرخ‌های کشورهای که بانکداری رقابتی دارند و احتمال نقل و انتقال سرمایه از ایران به آن کشورها وجود دارد، نزدیک شود». (رک: موسویان، ۱۳۸۷: ۲۵) برخی دیگر از محققین نرخ‌های بهره بین‌المللی را به دلیل مغایرت با تفکرات اسلامی کنار گذاشته و تلاش‌هایی در راستای ایجاد جایگزین‌های اسلامی به‌جای نرخ لایبور انجام دادند. به عنوان نمونه، مؤسسه تامسون رویترز با همکاری بانک نگارا مالزی^۱ نرخ مرجع اسلامی کوآلامپور را تحت عنوان (KLIRR) مطرح نمود.^۲ این نرخ با مشارکت ۱۲ بانک و بر پایه عقد مباحه صورت می‌گیرد و در آن نرخ‌های بهره به صورت روزانه توسط برخی از بانک‌های اصلی ارائه می‌شود. بر اساس همین نرخ‌ها، ممکن است پیشنهاد گردد از نرخ لایبور ریال ایران تحت عنوان ایریپور^۳ برای بانک‌های داخلی استفاده شود.

نقد و بررسی

۱. همان‌طور که در بالا اشاره شد، چون نرخ لایبور معمولاً نمایانگر این است که حاشیه سود^۴ به بیشترین نرخ بهره اضافه شود، لذا به عقیده برخی از فعالان بخش بانکی کسب پول و افزایش آن از طریق سرمایه‌گذاری مبتنی بر نرخ لایبور و یا از طریق هر نوعی که به عنوان معیار بین‌المللی تلقی شود از نظر تفکرات اسلامی حرام در نظر گرفته می‌شود.

۲. نکته دیگر اینکه بانکداری اسلامی بدون در نظر گرفتن بازارهای انحصاری و علی‌رغم مواضع سخت‌گیرانه شریعت ملزم به رقابت با بانک‌های دیگر برای جذب سپرده‌ها هستند. به همین منظور در بازارهای مالی اسلامی در حال رشد، نظیر مالزی،

1. BNM

۲. معیارهای مشابه مانند نرخ‌های سایبور (عربستان سعودی)، کیبور (کویت)، ایبور (امارات).

3. IRIBOR

4. Margin

بحرین و امارات متحده عربی بعضاً نرخ‌های بالاتری پیشنهاد می‌شود. فی الواقع اکثر بانک‌های اسلامی تمایل دارند که مشتریان به جای اینکه از یک بازده سرمایه‌گذاری دارائی‌های مبتنی بر عواید طبیعی استفاده کنند، بیشتر از طریق نرخ‌های سپرده‌گذاری رقابتی پرداخت داشته باشند. لذا هر چند نظریه تاسیس معیار مالی اسلامی مستقل لزوماً با معیارهای رایج (غیراسلامی) ارتباطی ندارد؛ اما بسط و گسترش مشوق‌ها بدون تناسب با واقعیت اقتصاد در بانک‌های اسلامی مشکلات رقابت ناسالم در بانک‌ها را ایجاد می‌کند.

۳. نکته سوم اینکه از آنجا که نرخ تورم در کشورهای گوناگون در سال‌های مختلف متفاوت است مقایسه نرخ سود اسمی و حقیقی ممکن نیست. به عنوان مثال در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت (یک ساله) بانک‌ها به ترتیب ۱۵ و ۱۸ درصد بوده که با احتساب نرخ تورم ۳۱,۲ و ۴۱,۲ برای دو سال فوق، نرخ سود حقیقی ۱۷,۲- و ۲۳- است؛ در حالی که هیچ کشوری - چه کشورهای بین‌المللی و چه کشورهای منطقه و چه کشورهای اسلامی - این نرخ سود را پرداخت نمی‌کنند. البته اگر اقتصاد ایران در یک وضعیت با ثبات قرار گیرد و نرخ تورم آن پایین‌تر از نرخ سود قرار گیرد در این صورت ممکن است نرخ سود با نرخ بهره بین‌المللی یا کشورهای اسلامی مقایسه گردد و به آنها نزدیک شود. به عبارت دیگر با در نظر گرفتن شرایط تورمی شدید و غیرشدید می‌توان مقایسه‌ای از این جهت نمود؛ اما به صورت کلی نمی‌توان از نرخ بهره بین‌المللی یا منطقه‌ای یا نرخ سود کشورهای اسلامی استفاده نمود.

۴. ساختار بانکی و نحوه تعیین نرخ سود در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشور ایران اکثر بانک‌ها دولتی است و نرخ سود هم به صورت دستوری تعیین می‌شود؛ درحالی‌که کمتر کشوری هم از جهت ساختار و هم از جهت تعیین نرخ سود همانند ایران عمل می‌کند. علاوه بر این بی‌شک تنها گزینه پیش روی بانکداری بدون ربا، نرخ‌های بین‌المللی نیست.

۵. در برخی از کشورها، از جمله کشورهای اسلامی عوامل دیگری مالیات بر سپرده‌ها و پس‌اندازها نیز مطرح است که می‌تواند بر تعیین نرخ سود بانکی اثرگذار باشد، در حالی که در کشور ایران چنین عاملی اثرگذار نیست.

۶. در کشور ایران بانک‌های دولتی در کنار بانک‌های خصوصی فعالیت می‌کنند که با ریسک‌های متفاوتی هم مواجه هستند. این تفاوت در ریسک چگونه در نرخ‌گذاری نهایی ترتیب اثر داده می‌شود؟

۷. از آنجایی که اکثر بانک‌های داخلی دولتی هستند و تعیین نرخ به صورت دستوری صلاح‌دیدی است، ممکن است نحوه تعیین نرخ سود پیشنهادی بانک‌ها در راستای اهداف و مصالح دولت‌ها باشد و نه رعایت سهم همه گروه‌های ذی‌نفع در بانک. لذا به نظر می‌رسد در این نحوه از تعیین نرخ سود عدالت در تعیین نرخ سود رعایت نشود.

۸. نکته مهم دیگر اینکه بر فرض درست بودن همه مراحل ایجاد نرخ مالی اسلامی و یا ایجاد نرخ لایبور ریال ایران بر اساس قرارداد مباحه، حال سوال اصلی این است که خود نرخ سود مباحه در بانک‌های داخلی چگونه مشخص می‌شود؟ آیا بانک‌ها نرخشان را از نرخ بهره بازاری می‌گیرند یا بر اساس واقعیت اقتصاد نرخ را اعلام می‌کنند؟ به ذهن می‌رسد که در اکثر موارد این نرخ‌ها از نرخ بهره بازاری نشئت می‌گیرند، نه از بخش واقعی اقتصاد که خود محل اشکال است.

۴,۳. نرخ نسبه (فروش اقساطی)، مبنای تعیین نرخ سود واقعی عقود ثابت

برخی از متفکران اقتصاد اسلامی مبنای تعیین نرخ سود را نرخ نسبه قرار دادند و چنین استدلال کردند: «با توجه به لازم بودن معاملات نسبه و معلوم بودن قیمت نسبه کالا یا درآمد حاصل از مبادله‌ی آن در زمان انجام معامله، به نظر می‌رسد که این نرخ مطمئن‌ترین نرخ بازدهی می‌باشد که هر بنگاهی برای سرمایه‌ی خود می‌تواند پیش‌بینی کند؛ در مقایسه با وقتی که سرمایه‌ی خود را به صورت مضاربه، مزارعه، یا عقود دیگر به مشارکت می‌گذارد. در عقود اخیر، فقط نسبت تقسیم درآمد در زمان انعقاد عقد قابل تعیین می‌باشد، ولی درآمد قابل وصول در همین زمان یا به تعبیر دیگر

نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری، قابل تعیین نیست. به این لحاظ وقتی بنگاهی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند که پیش‌بینی کند نرخ بازدهی محتمل مشارکت مضاربه یا عقود دیگر از نرخ نسبه بیشتر است، وگرنه از مواجه شدن با خطرهای مشارکت‌های یاد شده خودداری کرده و اقدام به استفاده از معاملات نسبه، که نسبتاً کم‌خطر هستند، می‌نماید. بدین جهت نرخ نسبه می‌تواند نقش شاخص را ایفا کند که براساس آن فعالیت‌های مدت‌دار از قبیل سرمایه‌گذاری، پس‌انداز، بهره‌برداری از منابع انبار و روانه، همچون معادن و جنگل‌ها، و به طور خلاصه اختصاص سرمایه به فعالیت‌های گوناگون اقتصادی قابل توضیح می‌باشد». (صدر، ۱۳۶۹: ۱۳) همچنین صدر در مورد دیگر چنین تصریح می‌نماید: «و چنانچه به تحلیل فیشر بازگردیم و نحوه‌ی پیدایش نرخ نسبه را در نظر بگیریم، می‌بینیم که این نرخ می‌تواند تمام تخصیص‌ها و اطلاعاتی را که نرخ بهره در یک اقتصاد ربوی ارائه می‌دهند، در یک اقتصاد بدون ربا، مانند اقتصاد صدر اسلام، نشان دهد». (صدر، ۱۳۷۵: ۲۸۹) این مطالب نشان می‌دهد که این محققان، نرخ نسبه را جایگزین نرخ بهره معرفی می‌نماید. در واقع با صراحت تمام تأکید دارد که از جهت شاخص سرمایه‌گذاری و غیره، نرخ نسبه مناسب‌ترین جایگزین نرخ بهره می‌باشد. بر همین اساس برخی دیگر از محققان مسائل بانکداری بدون ربا، نرخ نسبه را مبنای تعیین نرخ سود ثابت سپرده‌های پس‌انداز به حساب می‌آورند.

پارسونز بر آن است که همه نظام‌های حقوقی برای آنکه به صورت یک مکانیزم مشروع کنترل اجتماعی کار کنند، باید در بنیانی‌ترین بخش‌های خود، نه صرفاً بر ارزش‌های خالص سیاسی، که بر ارزش‌های مذهبی^۱ یا شبه‌مذهبی^۲ مبتنی باشند. افزون بر این، تفسیر قوانین نیز از کارکردهای اصلی نظام حقوقی است. اما تفسیر ممکن است تفسیری قاعده‌محور یا مشتری‌محور باشد. تفسیر قاعده‌محور به همبستگی خود

۱ . Religious values.

۲ . Quasi-religious values.

نظام حقوقی مربوط می‌شود. این نوع تفسیر در اختیار قوه قضاییه و به‌ویژه دادگاه‌های استینافی و پژوهشی است. دادرسان دادگاه‌های عالی معمولاً مستقل از دیگر قوای کشور عمل می‌کنند و به کسی وابسته نیستند. بنابراین، تفسیرهای آنان بیش از هر چیز، تفسیرهایی قاعده‌محور و صرفاً در جهت همبستگی و سازگاری نظام حقوقی است، نه چیز دیگر. اما تفسیر مشتری‌محور در رابطه حرفه‌ای وکیلان با مشتریان خود تجلی می‌یابد. این نوع تفسیر بر ارائه مشورت‌های خصوصی با مشتریان متمرکز و به پرداخت هزینه از سوی مشتریان وابسته است. به عقیده پارسونز، این هر دو نوع تفسیر کمک می‌کند که کار تفسیر قوانین به آسانی از سوی نظام حقوقی انجام شود (تروینیو، ۱۹۹۶: ۳۲۱).

نقد و بررسی

۱. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، شاید نرخ از جهت چارچوب فقهی اشکال شرعی نداشته باشد، ولی از جهت اقتصادی غیر از نرخ بهره هیچ ملاک مستقل دیگری جهت تعیین نرخ نسبه به کار گرفته نشده و نمی‌شود. اگر نرخ نسبه بازار مستقلاً می‌داشت، همانند صدر اسلام، و اشتقاق یافته از نرخ بهره نبود، می‌توانست جایگزین نرخ بهره شود؛ همچنان که می‌توانست شاخص تعیین نرخ سود سرمایه به حساب آید.

۲. علاوه بر اشکال فوق، نرخ نسبه در بازارها عموماً ثابت است و بسته به شرایط اقتصادی تغییرات جدی ندارد؛ در حالی که نرخ سود بسته به موقعیت‌های مختلف متفاوت خواهد بود.

۳. نرخ نسبه نمی‌تواند بیانگر تمام واقعیت‌های جامعه باشد. به عنوان مثال وقتی که جامعه در شرایط تورمی شدید قرار می‌گیرد، فعالان و بنگاه‌های اقتصادی به جای تغییر در نرخ نسبه، از انجام معاملات نسبه خودداری می‌کنند. عرف فعالان اقتصادی نیز این نیست که نرخ نسبه را بالا ببرند؛ بلکه رفتار خود را

تغییر می‌دهند. در شرایطی که جامعه در شرایط رکودی قرار می‌گیرد، فعالان اقتصادی برای فروش محصول علاوه بر اینکه حاضراند از قراردادهای نسیه به صورت گسترده استفاده کنند، از دیگر مشوق‌های بازاری (مانند تخفیف در قیمت کالا، یا تخفیف در میزان سود و ...) به جای تغییر در نرخ نسیه اقدام می‌کنند.

۴. بر فرض قبول همه اشکالات، نرخ نسیه را می‌توان فقط در عقود مبادله‌ای استفاده نمود؛ در حالی که در نظام بانکی بخش زیادی از تسهیلات به صورت مشارکتی است و مبنا قرار دادن نرخ نسیه برای عقود که همراه با ریسک و ناطمیان است و بازدهی آن متناسب با شرایط تغییر می‌کند، فقط جنبه صوری بودن معیار نرخ‌گذاری را تقویت می‌کند؛ مگر اینکه رابطه‌ای برای نرخ نسیه و عقود مشارکتی تعریف نمود.

۵. در این نحوه از نرخ‌گذاری نمی‌توان کارکرد هدایتگری نرخ سود را متصور شد.

۶. در حالت کلی می‌توان گفت که با اجرای نرخ نسیه در نظام بانکی، کارکرد نرخ بهره ربوی از جهت اقتصادی ظهور می‌یابد. نرخ بهره بازاری جایگزین نرخ سود بانکی می‌شود و چون نرخ بهره در بازار عموماً بالای ۳۰ درصد (چه در شرایط تورمی و چه غیرتورمی) است که خود این امر اشکالات مختلف از جمله عدم رعایت عدالت در تعیین نرخ سود، عدم رعایت عدالت در سهم‌بری همه ذی‌نفعان، نرخ غیرواقعی و نامتناسب با شرایط اقتصادی جامعه و... را ایجاد خواهد کرد.

برخی دیگر از محققان در تحقیق خود برای تعیین نرخ سود در عقود مبادله‌ای، روشی با رویکرد هزینه سایه‌ای را ارائه داده‌اند که با استفاده از اطلاعات درونی بنگاه‌های اقتصادی و نحوه تخصیص سرمایه در آن، به برآورد بازدهی سرمایه و هزینه فرصت سرمایه در اقتصاد (و بنگاه اقتصادی) می‌پردازد. توضیح اینکه برابری قیمت نهاده با ارزش تولید نهایی آن ($w_i = VMPI_i$) شرط اصلی رفتار تولیدکننده در حداقل‌سازی هزینه‌ها و متکی بر فروشی، از جمله انحرافی نبودن قیمت‌ها است. به این معنا که قیمت‌های بازار، همان هزینه فرصت منابع و نهاده‌های تولید را منعکس کند. ولی اگر بنگاه فعال در یک صنعت تحت تأثیر کنترل‌ها و مقررات مختلف از سوی نظام اقتصادی باشند، این بنگاه‌ها در حداقل‌سازی هزینه‌ها ناتوان خواهند شد.

محققان در ایده جدید برای مقایسه کارایی قیمتی یا تخصیصی بنگاه معرفی کردند که بعدها پایه‌ای برای معرفی تابع هزینه سایه‌ای گردید. مطابق با این روش، فرض می‌شود که در شرایط وجود انحراف در قیمت نهاده‌ها، بنگاه ارزش تولید نهایی هر عامل تولید را با مقدار ثابتی برابر می‌کند که ثابت مذکور، رابطه تناسبی با قیمت‌های موجود و انحرافی نهاده در بازار دارد. به این صورت که: $(\partial Q / \partial X_i) = k_i w_i$ که k_i شاخصی از رفتار حداکثرسازی سود و یا حداقل‌سازی هزینه از سوی بنگاه و w_i قیمت‌های موجود و قابل مشاهده برای نهاده‌ها می‌باشد و روشن است که اگر k_i برابر با یک باشد یعنی قیمتی که بنگاه برای نهاده قائل است با قیمت قابل مشاهده و موجود آن، یکی است و این، به معنی عدم وجود انحراف در قیمت بازاری نهاده است؛ چراکه قیمت نهاده‌ها ممکن است دچار اختلال و انحراف باشند و معیار مناسبی از هزینه فرصت منابع را نشان ندهند. از این جهت، به $k_i w_i$ گاهی قیمت مؤثر نهاده نیز گفته می‌شود. این ایده نشان می‌دهد که برای مثال، وقتی نرخ سود تسهیلات (یا معادل آن، هزینه سرمایه) ۱۲ درصد تعیین می‌شود، بنگاه در تابع هزینه خود لزوماً هزینه فرصت سرمایه را ۱۵ درصد لحاظ نخواهد کرد و بسته به اینکه بازدهی سرمایه و هزینه فرصت آن برای بنگاه چقدر است، در هزینه‌های خود هزینه سرمایه را در نظر خواهد گرفت. این مقدار به صورت $k_i 15$ قابل بیان است.

بنابراین به صورت کلی، دو قیمت برای هر نهاده می‌توان متصور شد. قیمت اول، قیمت موجود نهاده یا W_i است که ممکن است با قیمت حقیقی آن که مؤید کمیابی منابع و نشان‌دهنده هزینه فرصت واقعی نهاده است، یکی نباشد. قیمت دوم W_i^* یا قیمتی است که بنگاه‌ها بر پایه بازدهی که نهاده برای بنگاه دارد، برای آن قایل هستند. این قیمت از نحوه تخصیص منابع در درون بنگاه قابل محاسبه است. به این معنی که بنگاه‌ها صرف‌نظر از قیمت‌های بازاری (و احتمالاً انحرافی) و بر پایه قیمت‌های حقیقی که بازتابی از هزینه فرصت حقیقی منابع است، به تخصیص منابع در درون بنگاه می‌پردازند. از این نظر، رابطه بین دو قیمت قابل مشاهده (W_i) و غیرقابل مشاهده (W_i^*) یا سایه‌ای به صورت $W_i^* = k_i W_i$ قابل بیان بوده و بر پایه آن، دو تابع هزینه برای بنگاه وجود خواهد داشت: الف: تابع هزینه موجود که بر اساس قیمت‌های موجود نهاده‌ها که احتمالاً انحرافی هستند، بیان می‌شود و ب: تابع هزینه حداقل که بر اساس قیمت‌های سایه‌ای نهاده‌ها قابل تعریف است (دادگر و فیروزان سرنقی، ۱۳۹۱).

نقد و بررسی

۱. اول اینکه نتایجی که این تحقیق می‌گیرد این است که نرخ سودی که بانک‌ها در اجرای عقود به کار گرفته‌اند، از انحراف قابل توجهی برخوردار است که در نتیجه آن، هزینه‌های عدم کارایی تخصیصی به اقتصاد کشور و بخش صنعت وارد می‌شود؛ اما در خصوص روش محاسبه و مدل تعیین نرخ سود، اظهار نظری نکرده است.

۲. این نظریه برای کسب و کارهایی که در ابتدای راه هستند و تازه می‌خواهند شکل بگیرند، کاربرد ندارد.

۴،۵. میانگین بازدهی سالانه برخی بخش‌های مهم اقتصادی طی یک دوره

برخی پیشنهاد داده‌اند برای تعیین نرخ سود بانکی می‌توان از بازدهی بخش‌های واقعی اقتصاد استفاده نمود. در این سناریوی پیشنهادی، از بازدهی متوسط سالانه ۱. شاخص اجاره مسکن، ۲. نرخ جریمه اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، ۳. نرخ نسیه یا فروش اقساطی کالا در بازار، ۴. متوسط بازده بورس، ۵. ودیعه یا رهن مسکن و ۶. رشد نرخ ارز، به عنوان بخش‌های مختلف اقتصادی، مبنای محاسبه قرار گرفته و نرخ سود عقود مبادله‌ای برای سال‌های آتی بر اساس میانگین بازدهی این بخش‌ها تعیین شود و سپرده‌ها نیز متناسب با آن نرخ‌گذاری شوند که برای تحقق این امر اقدامات ذیل از سوی بانک مرکزی ضروری است: الف: واحد نظارت و محاسبه نرخ سود بانکی بر اساس بخش‌های واقعی اقتصاد در بانک مرکزی به صورت آنلاین و الکترونیکی فعال شود. ب: برای همگرایی نرخ سود در بخش‌های حقیقی اقتصاد، سیاست‌های مالیاتی مناسب اتخاذ شود که تسهیلات به سمت بخش‌های با سوددهی بیشتر نظیر بازرگانی کمتر سوق پیدا کند. ج: نظارت آنلاین والکترونیکی بانک مرکزی بر واقعی بودن قراردادهای بانکی با اشخاص حقوقی و حقیقی باید جدی و دقیق اعمال شود تا تسهیلات از یک بخش به صورت پنهانی به بخش دیگر نرود و شفافیت اطلاعاتی حاکم باشد (عزیزنژاد، ۱۳۹۱: ۱۹۴-۱۹۸).

نقد و بررسی

این شیوه از نرخ‌گذاری اگرچه به برخی عوامل مهم و مؤثر در تعیین نرخ سود توجه نموده و شاخص یا بازدهی بخش‌های مختلف را مبنای تعیین نرخ سود قرار داده، اما این شیوه نیز دچار ایراداتی است:

۱. اول اینکه خیلی از اشکالاتی که در مورد برخی از نظریه‌های فوق بیان شد، در این روش نیز جاری است.

۲. عدم تفکیک بین شرایط رکودی و یا تورمی شدید با شرایط عادی اقتصاد؛ خیلی از شاخص‌ها و نرخ‌های بیان شده در شرایط تورمی شدید و یا رکودی شدید به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند و حتی تغییرات بیش از ۲۰۰ یا ۳۰۰ درصدی را دارند (مانند تغییرات شاخص بورس، تغییرات شاخص اجاره مسکن، نرخ رشد ارز و

... که اگر قرار باشد نرخ سود بانکی بر اساس بازدهی متوسط این شاخص‌ها تعیین گردد نرخ بسیار بالایی خواهد داشت. این در حالی است که برای کنترل بازار و ایجاد ثبات در جامعه خصوصاً در شرایط تورمی و یا رکودی شدید نمی‌توان نرخ سود را به شدت بالا برد یا بشدت کاهش داد. منظور اینکه در شرایط خاص اقتصادی نمی‌توان از روش قاعده‌مند استفاده نمود، بلکه نیازمند نرخ‌گذاری صلاح‌دیدی و در نظر گرفتن برخی شرایط اثربخشی نرخ سود هستیم که روش فوق به این امر توجه نکرده است.

۳. سوم اینکه انتخاب این شیوه از نرخ سود نمی‌تواند نقش هدایت‌گری و کنترل نرخ تورم در جامعه را داشته باشد.

۴. چهارم اینکه برخی متغیرها اثرگذار در نرخ سود وجود دارد که روش فوق آنها را در نظر نگرفته است؛ مانند نرخ رشد اقتصادی؛ اگر چه رشد اقتصادی اثر خود را بر همه بخش‌های اقتصادی خواهد گذاشت، اما روش فوق بیانگر رشد اقتصادی همه بخش‌های اقتصادی یا حداقل معرف همه بخش‌های اقتصادی نیست.

۵. پنجم اینکه در روش فوق تفاوتی بین بانک‌های دولتی و خصوصی برای نرخ‌گذاری در نظر نگرفته است.

۶. و درنهایت اینکه نرخ سودی که بانکها در اجرای عقود به‌کار گرفته‌اند، از انحراف قابل توجهی برخوردار است که در نتیجه آن، نرخ بازدهی برخی بخش‌ها نیز از انحراف برخوردار خواهند بود.

۴.۶. ترازنامه چندین شرکت دولتی مبنای تعیین نرخ سود بانکی

با توجه به اشکالات برای راه‌حل‌های ارائه شده برای تعیین نرخ سود، برخی از صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی پیشنهاد دادند که بانک مرکزی ضمن بررسی ترازنامه چندین شرکت دولتی، می‌تواند نرخ سود واقعی سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها را تعیین و بر اساس نرخ سود متوسط آنها نرخ سود بانکی را تعیین نماید؛ یا اینکه وزارت امور اقتصادی که ترازنامه شرکت‌های تابعه موضوع قانون مالیات را بررسی می‌کند، می‌تواند با محاسبه و اعلان نرخ سود واقعی، زمینه تصمیم‌گیری در بخش‌های تجارت، تولید کالاها و خدمات را فراهم کند یا اینکه سازمان بورس نرخ سود در

صنایع و شرکت‌های تابع را محاسبه و اعلان کند به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران بتوانند بر مبنای آن تصمیم بگیرند، یا شرکت‌های سرمایه‌گذار که مورد اعتماد سیستم بانکی هستند و در بخش‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند و بر اساس اطلاعات دقیق نسبت به سود فعالیت‌های گوناگون می‌توانند میانگین سود سرمایه را تعیین کنند و در اختیار سیستم بانکی قرار دهند (نظری، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

نقد و بررسی

۱. این شیوه از تعیین نرخ سود اگرچه راه حل قابل قبولی است و با واقعیت اقتصاد نیز همگرایی دارد، اما باید توجه نمود که عموماً شرکت‌های دولتی به‌خاطر مدیریت ضعیفشان عموماً زیانده هستند یا اینکه بازدهی بسیار پایینی دارند. لذا مرجع قرار دادن بازدهی این شرکت‌ها برای تعیین نرخ سود بانکی علاوه بر انحراف در منابع، عدالت در سهم‌بری ذینفعان قطعاً رعایت نمی‌شود. علاوه بر این خود این شرکت‌ها برای خوب جلوه دادن عملکرد خودشان نرخ سود را بالاتر از حد و غیرواقعی نشان می‌دهند. یا اینکه شرکت‌ها برای پرداخت مالیات کمتر به سازمان امور مالیاتی سعی در مخفی کردن نرخ بازدهی واقعی دارند.

۲. دوم اینکه مبنای قرار دادن بازدهی شرکت‌ها و صنایع در سازمان بورس همان اشکالاتی را دارد که در مطالب قبلی ذکر شد.

۳. راه حل پایانی یعنی توجه به بازدهی شرکت‌های سرمایه‌گذار مورد اعتماد سیستم بانکی راه حل خوبی است و می‌تواند روش خوبی برای تعیین نرخ سود بانکی باشد؛ اما نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد این است که اگر شرکت‌های مورد اعتماد نظام بانکی، دولتی باشند عموماً به‌خاطر عدم تخصص و دولتی بودن کارکرد و کارایی بالایی ندارند و اگر شرکت‌های مورد نظر، خصوصی باشند، ممکن است بخاطر تخصصی بودن عملکرد خوبی داشته باشد و نرخ سود بالایی را هم کسب نماید و مبنای قرار دادن این نرخ برای نظام بانکی مثل این هست که اتوبان برای اتومبیل‌های مسابقه‌ای فراری تشکیل شود و به همه ماشین‌های داخل ایران بگویند که در اتوبان مثل فراری باشید و لاغیر. نکته دیگر اینکه بخاطر ریسک‌پذیری شرکت‌های

خصوصی معمولاً بخشی از سود در مقابل ریسک سرمایه‌گذاری خواهد بود که باید مدنظر تصمیم‌گیران قرار گیرد.

۴. توجه به شرایط رکودی شدید یا تورم شدید برای تصمیم‌گیری بازدهی شرکت‌ها مدنظر قرار نگرفته است.

۵. تفکیک بین بانک‌های خصوصی و بانک‌ها دولتی برای اعطای اعتبار صحیح و اعتبارسنجی درست مشتریان و سرمایه‌گذاری باعث تغییر در بازگشت سرمایه و بازدهی شرکت‌ها می‌شود که در این روش توجه نشده است.

۶. برای این شیوه از نرخ سود نمی‌توان نقش هدایت‌گری قائل شد.

۴,۷. تعیین نرخ سود به صورت درصدی از میانگین وزنی قطعی دوره‌های مالی گذشته

بانک‌ها

برخی دیگر از افراد، با توجه به آسیب‌های تعیین نرخ سود ثابت یا به عبارتی تعیین دستوری نرخ سود بانکی، سازوکار جدیدی که توسط بازار عرضه و تقاضا و با نظارت و هدایت بانک مرکزی انجام می‌شود، را پیشنهاد دادند. طراحی این الگو بر اساس تعیین صریح نرخ مشارکت در سود خالص پایان دوره برای هر نوع سپرده است که می‌تواند در اصلاح باور عمومی نسبت به شرعی بودن سود پرداختی به سپرده‌گذاران مؤثر باشد. در این الگو نرخ سود قطعی پایان دوره با نرخ سود علی‌الحساب متفاوت است؛ زیرا نرخ سود علی‌الحساب به صورت درصدی از میانگین وزنی نرخ سود قطعی در دوره‌های گذشته محاسبه و پرداخت می‌شود.

برای محاسبه نرخ سود قطعی پایان دوره در این الگو، شورای پول و اعتبار به جای تعیین نرخ سود علی‌الحساب برای انواع سپرده‌ها نرخ مشارکت در سود برای هر نوع سپرده را تعیین می‌کند. برای مثال نرخ مشارکت ۶۰ درصد برای سپرده یک ساله ۷۰ درصد برای سپرده ۳ ساله و ۸۰ درصد برای سپرده‌های پنج ساله. فرض کنید بانکی با مجموع دارایی‌های معادل ۱۰۰۰ واحد توانسته در طول یک سال مالی ۲۰۰ واحد سود خالص به دست آورد. بنابراین بازدهی منابع این بانک در یک دوره مالی ۲۰ درصد است. حال با تعیین نرخ مشارکت ۷۰ درصد از سوی شورای پول و اعتبار

برای سپرده‌های سه سال، بازدهی امسال این نوع سپرده‌ها ۱۴ درصد (۰/۷۰٪) است. پس از اجرای این الگو و تثبیت آن، تعیین نرخ مشارکت در سود برای هر نوع سپرده نیز می‌تواند به بانک‌ها محول شود. بنابراین بانک‌ها به جای رقابت در بالا بردن نرخ سود علی‌الحساب می‌توانند در میزان نرخ مشارکت در سود رقابت کنند. نحوه محاسبه سود علی‌الحساب در این الگو، به صورت میانگین بازدهی منابع بانک در سال‌های گذشته است. شورای پول و اعتبار برای تعیین مقدار سود علی‌الحساب هر نوع سپرده در هر بانک باید از فرمول بر اساس میزان سود قطعی تقسیمی در دوره‌های پیشین استفاده کند. (محقق نیا و همکاران، ۱۳۹۵) فرمول آن بدین صورت است:

$$R_t = b \left(\frac{\sum_{i=1}^T a_i r_{t-i}}{\sum_{i=1}^T a_i} \right)$$

R_t نرخ سود علی‌الحساب برای این دوره؛ r_{t-i} نرخ سود قطعی i دوره قبل که بانک به مشتریان پرداخت کرده است؛ a_i ضریب تأثیر سال‌های گذشته $0 < a_i < 1$ ؛ b درصد پرداختی از سود علی‌الحساب (ضریب تعدیل) $0 < b < 1$ پارامترهای a و b توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود و می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری پولی استفاده شود. برای مثال، ضرایب پیشنهادی چنین است:

$$R_t = 0.9 \frac{0.7 r_{t-1} + 0.6 r_{t-2} + 0.5 r_{t-3} + 0.4 r_{t-4} + 0.3 r_{t-5}}{2.5}$$

نقد و بررسی

۱. عموماً در بانک‌های دولتی بخاطر عدم اعتبارسنجی درست مشتریان و تسهیلات‌گیرندگان، خیلی از منابع جزء معوقات مشکوک یا سوخت شده قرار می‌گیرند که این خود نرخ بازدهی بانک‌ها را به صورت واقعی پایین می‌آورد. همچنین بانک‌های دولتی بخاطر مدیریت ضعیف و ناکارآمد، عموماً باعث بازدهی منفی دارند. همچنین خیلی از بانک‌های دولتی، مجبور به پرداخت تسهیلات تکلیفی هستند که نرخ بازدهی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالی است که بانک‌های خصوصی با این مشکلات مواجه

نیستند یا اینکه حداقل کمتر با این مشکلات مواجه می‌شود و کارایی عملکرد آنها بالاتر است.

۲. تفکیک بین نرخ بازدهی بانک‌های دولتی و خصوصی در برآورد نرخ سود علی‌الحساب صورت نگرفته است.

۳. در شرایط رکودی یا تورمی شدید نمی‌توان از روش قاعده‌مند استفاده نمود؛ بلکه نیازمند نرخ سود به صورت صلاح‌دید می‌هستیم. به عنوان مثال در شرایط رکودی ممکن است بازدهی بانک‌ها منفی باشد و این در حالی است که نمی‌توان به سپرده‌گذاران نرخ سود منفی پرداخت کرد.

۴. در نهایت اینکه نرخ سودی که بانک‌ها در اجرای عقود به‌کار گرفته‌اند، بخاطر دستوری بودن در سال‌های گذشته و انحراف در نرخ سود علی‌الحساب از نرخ واقعی آن، باعث می‌شود که نرخ بازدهی واقعی بانک‌ها با انحراف مواجه شود.

۴.۸. تأسیس مؤسسه‌های تخصصی تعیین نرخ سود سرمایه نقدی

ازجمله راه‌حل‌های تعیین نرخ سود بانکی تأسیس مؤسسه‌های تخصصی تعیین نرخ سود سرمایه نقدی است. بر اساس این پیشنهاد لازم نیست بانک مرکزی بخاطر هزینه‌های فزاینده، چنین مؤسسه‌ای را ایجاد کند؛ بلکه اعلام نیاز نظام بانکداری کشور، زمینه پیدایش چنین مؤسسه‌هایی (مشابه مؤسسه‌های رتبه‌بندی اعتبار) فراهم می‌کند و در نتیجه تقاضای موثر آنها، عرضه را به دنبال دارد. با شکل‌گیری چنین مؤسسه‌هایی کارشناسان بانک مرکزی می‌توانند آنها را جهت تأمین این نیاز هدایت کنند. به عنوان نمونه عینی شرکت ارزش پرداز آرین، مشاور سرمایه‌گذاری مجموعه پاسارگاد نرخ متوسط سود صنایع را تعیین می‌کند و به صورت شفاف می‌توان به چنین نرخ‌ی در حوزه صنایع دست یافت. به طور کلی مؤسسه‌هایی که چنین خدماتی را ارائه می‌دهند، زمینه از بین رفتن اطلاعات نامتقارن و ارائه اطلاعات متقارن را

فراهم می‌کنند و در نهایت نظام بانکداری بر مبنای اطلاعات متقارن تصمیم می‌گیرد؛ زیرا چنین موسسه‌هایی در تعیین نرخ سود واقعی بر اساس اطلاعات متقارن تخصص دارند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت مأموریت اصلی آنها ارائه چنین خدماتی است. ارائه این خدمات نیاز به اطلاعات واقعی از هزینه‌ها و درآمد دارد و چنین موسسه‌هایی چون این نوع اطلاعات را دارند، می‌توانند نرخ متوسط نرخ سود را تعیین کنند. (نظری، ۱۳۹۲: ۱۷۲)

نقد و بررسی

۱. راه حل بیان شده و ایجاد موسسه تخصصی تعیین نرخ سود اگر چه روش خوبی برای تعیین نرخ سود محسوب می‌شود؛ اما خود این موسسات نیازمند یک مدل عملیاتی معقول برای تعیین نرخ سود هستند؛ به عبارت دیگر با تخصصی شدن روش محاسبه نرخ سود، تصمیم‌گیری برای نرخ سود به صورت کاراتر و اثربخش‌تر خواهد شد؛ اما همین موسسات برای اعلام نرخ سود بانکی نیازمند ساز و کار و مدل عملیاتی نرخ سود هستند که با توجه به روش‌های گفته شده تا کنون چارچوب منسجم و نظریه جامعی برای تعیین نرخ سود در جامعه اسلامی ایران به وجود نیامده است.

۲. مشکل دیگری که این روش با آن مواجه است این است که این موسسات چگونه و با چه سیستمی نرخ‌گذاری می‌کنند؟ آیا می‌خواهند به صورت قاعده‌مند اقدام به تعیین نرخ سود می‌نمایند و یا به صورت مصلحتی و یا صلاح‌دید؟ مشخص نبودن این امر همان مشکلاتی را ایجاد خواهد کرد که روش فعلی با آن مواجه است.

۳. در نهایت اینکه اگر شرایط کشور در وضعیت باثبات باشد می‌توان با ایجاد یک روش قاعده‌مند نرخ سود را تعیین نمود بدون اینکه هزینه‌ی تعیین نرخ

سود را افزایش داد. ضمن اینکه خود این موسسات نمی‌توانند جایگاه مستقلی از نظام بانکی داشته باشند.

۴,۹. تعیین نرخ سود مرجع توسط بانک مرکزی و واگذاری نرخ سود پرداختی به

بانک‌ها

در برخی از راهکارهای پیشنهادی آمده است که بانک مرکزی فقط با تعیین نرخ سود مرجع به سپرده‌پذیری یا تسهیلات‌دهی به بانک‌ها اقدام کند. بانک‌ها نیز با توجه به ظرفیت‌های داخلی، اوضاع اقتصادی و کشش بازار، پیش‌بینی خود از میزان درآمد و درصد سودی که احتمالاً به سپرده‌گذاران مختلف می‌تواند پرداخت کند را به تأیید حسابرس رسانده و بعد از آن نرخ سود سپرده و تسهیلات خود را اعلام کنند. البته باید به موارد زیر هم توجه کرد: الف: رابطه نرخ سود مرجع با سود اوراق مشارکت بیش از یک سال تعریف نشود. ب: نرخ سود مرجع سالانه ابلاغ نشود بلکه نرخ سود اعلامی تا اطلاع ثانوی و حتی المقدور دو یا سه سال یک بار تغییر کند تا ثبات نسبی در اقتصاد را به بخش حقیقی القاء کند و سرمایه‌گذاران بتوانند قدرت پیش‌بینی داشته باشند. ج: ارتباط معنی‌داری میان نرخ جریمه بانک مرکزی برای برداشت اضافی بانک‌ها با نرخ مرجع وجود داشته باشد.

نقد و بررسی

۱. سوال اولی که وجود دارد این است که نرخ سود مرجع چگونه و با چه مکانیسمی انجام می‌شود؟ از جمله اشکالاتی که در تعیین نرخ سود در نظام بانکی وجود دارد این است که نظام بانکی در همه شرایط اقتصادی کشور با نگاه مصلحتی و توجه مصالح کلان خود و نه حقوق همه ذی‌نفعان اقدام به تعیین نرخ سود می‌کند و نه مصلحت همه گروه‌های ذی‌نفع.

۲. واگذاری نرخ سود در شرایط فعلی اقتصاد کشور که اکثر بانک‌ها با مشکلات عدیده مالی و از جمله کفایت سرمایه مواجه اند، باعث ایجاد رقابت ناسالم بر نرخ سود بانکی می‌شود.

۳. این شیوه از نرخ‌گذاری دقیقاً همان مشکلاتی را ایجاد می‌کند که هم‌اکنون در نظام بانکی وجود دارد.

۴.۱۰. هزینه فرصت سرمایه مبنای تعیین نرخ سود واقعی عقود

غالب محققان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی،^۱ هزینه فرصت سرمایه (یا پول)^۲ را در اقتصاد اسلامی معادل نرخ بازدهی در بازارهای حقیقی می‌دانند. این افراد معتقدند که یک نرخ بازدهی در بازارهای سرمایه اسلامی وجود دارد که هزینه فرصت سرمایه را نشان می‌دهد و از نرخ بازدهی در بخش حقیقی اقتصاد نشئت می‌گیرد. (خان و میرآخور ۱۳۷۰) وقتی بانک‌های بدون ربا کاملاً مطابق با ویژگی‌های تأمین مالی اسلامی رفتار نمایند و عملیات بانکی را به نحوی سامان دهند که پایه تأمین مالی، عقود مشارکتی و مشارکت در سود و زیان باشد، در اقتصاد نرخ تعیین می‌شود که معیار و بیان روشنی از هزینه فرصت منابع کمیاب سرمایه است.

نقد و بررسی

این دیدگاه کلی از جهت فقهی و حقوقی کاملاً منطبق با معیارهای اسلامی است و در اصل اقتصاد اسلامی نیز باید به همین شیوه عمل شود؛ اما در این نظریه در

۱. در این رابطه، به طور مشخص از زرqa (۱۹۹۸ و ۱۹۸۲)، صدیق (۱۹۸۳) میرآخور و اقبال (۱۹۹۸) حق و میرآخور (۱۹۹۹) و نینهاس (۲۰۰۶) می‌توان نام برد.

۲. وقتی به دنبال تعیین نرخ سود سرمایه هستیم و می‌خواهیم آن را به پول نسبت دهیم، لازم است که چند فرض را در نظر بگیریم. پول همان سرمایه بالقوه است و به سرعت قابلیت تبدیل به سرمایه را داراست. بنابراین، تابع تولیدی که در نظر گرفته میشود تابع تولیدی است که در آن منظور از سرمایه (K) موجودی سرمایه بنگاه است. به این ترتیب، سرمایه را میتوان به دو شکل نهاده ثابت و متغیر وارد تابع تولید نمود. تبدیل پول به سرمایه که در بنگاه رخ میدهد ایجاب میکند که فرض شود پول بایستی طبق ضوابط و شروط بانکداری اسلامی در همان قالب تعهدشده به کار گرفته شود و از سایر استفاده‌ها اجتناب گردد. رک: دادگر و فیروزان سرنقی، ۱۳۹۱: ۸۱

خصوص راهکار اجرایی و همچنین چگونگی تعیین نرخ هزینه فرصت در عمل، بحثی نشده است. این رویکرد خود نیازمند بررسی روش‌های محاسبه تعیین نرخ هزینه فرصت است.

۴،۱۱. تعیین نرخ سود عقود مبادله‌ای بر مبنای نرخ تورم

برخی‌ها با هدف حفظ قدرت خرید سپرده‌ها پیشنهاد دادند که نرخ سود سپرده‌ها حداقل به اندازه نرخ تورم افزایش یابد. این بحث اولین بار توسط ابروینگ فیشر اقتصاددان آمریکا مطرح شد و کاربرد آن برای بانکداری ریوی بوده است. فیشر فرمولی برای تعیین نرخ بهره پیشنهاد داد:

$$r = \frac{1+i}{1+p} - 1$$

که r نرخ بهره واقعی و i نرخ بهره اسمی و p نرخ تورم است. فرمول اصلاح شده فوق به صورت زیر است:

$$rR = rN - \Delta p$$

که طبق فرمول فیشر نرخ بهره واقعی rR عبارت است از: rN : نرخ بهره اسمی منهای Δp نرخ تورم است. این فرمول بعدها مورد استفاده سیستم‌های سرمایه‌داری قرار گرفت و به این صورت تعبیر شد که نرخ بهره واقعی در جامعه باید مثبت باشد؛ یعنی نرخ بهره اسمی حداقل به اندازه نرخ تورم باشد. برخی‌ها همین فرمول را برای بانکداری اسلامی برای محاسبه نرخ سود پیشنهاد دادند. سوال این است که آیا در بانکداری اسلامی می‌تواند از این شیوه استفاده نمود؟

نقد و بررسی

۱. رویکرد تعیین نرخ سود بر پایه تورم، رویکردی انحرافی محسوب می‌شود که مبتنی بر یک رابطه بنا به تعریف بوده و فاقد جایگاه تئوریک و ارزش نظری

منطبق بر تأمین مالی اسلامی در تعیین نرخ سود است. این رابطه صرفاً نرخ سود اسمی تسهیلات را با تعدیلاتی به نرخ واقعی با توجه به تورم و نه بازدهی طرح‌ها، تبدیل می‌کند که به معنی تعیین نرخ سود نیست. (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۴۷۰)

۲. در این روش، نرخ سود نمی‌تواند نقش هدایت‌گری و سیاستی حمایتی برای ثبات بخشی به اقتصاد را ایفا کند.

۳. همان‌طور قبلاً هم بیان شد در شرایط تورمی شدید، این نرخ حتی به ۵۰ درصد می‌رسد و اگر قرار باشد بانک‌ها نرخ سود ۵۰ درصد را به سپرده‌گذاران پرداخت نماید، خود این عمل بر هم زننده تعادل و عدم ثبات اقتصادی در بازار می‌گردد؛ این در حالی است که برای کنترل بازار و ایجاد ثبات در جامعه خصوصاً در شرایط تورمی و یا رکودی شدید نمی‌توان نرخ سود را به شدت بالا برد یا بشدت کاهش داد. منظور اینکه در شرایط خاص اقتصادی نمی‌توان از روش قاعده‌مند ولو بر اساس نرخ تورم استفاده نمود، بلکه نیازمند نرخ گذاری قاعده‌مند با درجاتی از صلاحدید و در نظر گرفتن برخی شرایط اثربخشی نرخ سود هستیم. نتیجه اینکه روش فوق به این امر توجه نکرده است.

۴,۱۲. نرخ تورم به اضافه ۴ درصد سناریویی برای تعیین نرخ سود بانکی

برخی برای تعیین نرخ سود، با استفاده از سیستم معادلات همزمان، به این نتیجه رسید که روش تعیین نرخ سود بهینه در نظام بانکی ایران، روش شناور کردن است و بهترین سناریو برای تعیین نرخ سود در نظام بانکی، شناور کردن تعیین آن بر اساس مبانی بانکداری بدون ربا و ارتباط آن با قدرت خرید پول (لحاظ کردن تورم) است. برآورد سیستمی نشان می‌دهد بهترین سناریو برای تعیین نرخ سود در نظام

بانکی، نرخ تورم به اضافه ۴ درصد است. (کشاورزیان پیوستی، ۱۳۸۸: ۲۶)
نقدهایی به این نظریه همانند نظریه قبل است و لذا از بیان آن خودداری می‌شود.

البته علاوه بر نظریه‌های فوق برخی دیگر از محققان، تحقیقات مختلفی در تعیین نرخ سود انجام داده‌اند؛ اما به‌خاطر ارائه نکردن مدل عملیاتی تعیین نرخ سود، مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد.

۱. سیف و بهمنی (۱۳۸۳) معتقدند که سود مورد انتظار باید اولاً از تورم کمتر نباشد تا قدرت خرید فعلی پول کم نشود. ثانیاً ریسک عدم بازپرداخت به موقع اصل و سود مبلغ پرداختی به صورت درصدی به بهره اضافه شود. ثالثاً درصداً هم بهره به منظور سود صاحب پول از وام دادن خود به نرخ بهره اضافه شود.

۲. رضوی و شمسیان (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی سیستمی تعیین نرخ سود در ایران» با ابزاری به نام مدل‌سازی تشریحی ساختاری و با استفاده از نظرخواهی از کارشناسان و متخصصان آشنا به سیستم مالی، در خصوص وجود یا عدم وجود روابط بین هر جفت از عوامل موثر بر نرخ سود ماتریس مجاور را استخراج نمود. پس از آن با سطح‌بندی و به دست آوردن دایگراف سلسه مراتبی سیستم، عوامل موثر بر تعیین نرخ سود بانکی در قالب یک سیستم ارائه کرد. نتایج این تحقیق گویای این است که در الگوی عملی بانکداری اسلامی طیف وسیعی از عناصر مهم اقتصادی مانند نرخ سپرده قانونی، تسهیلات تکلیفی، نسبت تسهیلات مبادله‌ای به تسهیلات مشارکتی، نرخ سود عقود مبادله‌ای، سیاست‌های مالی دولت، سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، امنیت اقتصادی، تورم، ریسک‌های مؤسسات اعتباری، سهم الشرکه و حق‌الوکاله بانک‌ها، وجود دارد که مستقیم و یا غیر مستقیم می‌تواند بر سود

سپرده ها موثر باشد. همچنین این عناصر می‌تواند بر یکدیگر تاثیرهای متقابلی داشته و در مسیر تاثیر نهایی بر سود سپرده‌ها تقویت و یا تضعیف شود.

۳. آل بویه و علم الهدی (۱۳۹۱) ضمن برشمردن عوامل موثر بر نرخ سود مانند عرضه و تقاضای اعتبار، نرخ تورم، ریسک و مالیات، شرایط کلی برای تعیین نرخ سود مشخص کردند. ایشان بیان می‌دارند که «منطقی است که نرخ سود مورد انتظار نحوی تعیین گردد که پوشش کافی در خصوص موارد زیر را ایجاد نماید: الف) نرخ سود مورد انتظار از نرخ تورم کمتر نباشد؛ زیرا در غیر این صورت خرید فعلی اصل مبلغ پرداختی از قدرت خرید اصل به علاوه سود دریافتی کمتر خواهد بود. ب) در صورتی ریسک عدم بازپرداخت به موقع اصل و سود مبلغ پرداختی وجود داشته باشد، نرخ ریسک نیز باید به نرخ تورم افزوده شود؛ به نحوی که نرخ سود مورد انتظار، نرخ تورم و ریسک پذیرفته شده را پوشش دهد. دلیل آن نیز این است که در غیر این صورت خریدار اوراق بهادار یا اعطاکننده تسهیلات کماکان متضرر خواهند شد. ج) در صورتی که تورم و ریسک در اعطای تسهیلات یا خرید اوراق بهادار وجود نداشته باشند، در این صورت منطقی به نظر می‌رسد که اعطا کننده تسهیلات یا خریدار اوراق، وجوه خود را بدون انتظار برای مدتی در اختیار دیگری قرار دهد. لذا نرخ سود مورد انتظار علاوه بر نرخ تورم و نرخ ریسک بایست حداقل نرخ سود مورد انتظار را نیز شامل شود؛ زیرا سود مورد انتظار برابر است با حاصل جمع سه نرخ: نرخ حداقل سود مورد انتظار، نرخ تورم انتظاری و نرخ ریسک».

۵. راهکار پیشنهادی: نرخ سود قاعده‌مند با الهام از رابطه تیلور

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت: الگوها و نظریات بیان شده ضمن آشکار ساختن اهمیت و حساسیت تعیین نرخ سود، به این نکته نیز دلالت دارد که چارچوب منسجم و نظریه جامعی برای تعیین نرخ سود در جامعه اسلامی ایران به وجود نیامده است. در بررسی نظریات، ملاحظه می‌شود که بعضاً دیدگاه‌های پراکنده، غیرمنسجم و گاه متناقض بیان می‌شود. برخی از این نظریات نیز، کلی بیان شده و نحوه تعیین نرخ سود در عمل مشخص نیست. برخی دیگر که بیشتر بر بازار سهام و نرخ‌های بازدهی آن اتکا دارند، بی‌تردید از جریان‌ات سفته‌بازی و سوداگری سهام مصون نیستند، یا اینکه بازدهی سرمایه‌های بین‌المللی و بورس‌های خارجی را راهنمای عمل قرار می‌دهند که این نیز به نوبه خود، اگر چه می‌تواند سمت و سوی بازدهی سرمایه باشد، ولی از واقعیت‌های اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی و بویژه ایران دور است. در برخی دیگر از مقالات به اذعان خود نویسندگان، بدون توجه به ملاک‌های اسلامی به تبیین ملاک نرخ سود پرداخته‌اند. در برخی دیگر از مقالات به مقایسه وضعیت فعلی با وضعیت مطلوب پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وضعیت فعلی با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد اما راهکاری برای رسیدن به وضعیت مطلوب را بیان نکردند. مهمتر از همه این که این نظریات طوری نبوده است که طراحان نظام مالی و سیاست‌گذاران را متقاعد سازد که در طراحی الگوی جدید بانکداری بدون ربا از این مدل‌ها استفاده کنند.

نکته مهم دیگر در خصوص نرخ سود این است که تجربه نظام بانکی کشور در تعیین نرخ سود بانکی به صورت صلاح‌دید موفق نبوده و این سیاست نتوانسته اهداف موردنظر از جمله تقویت تولید، مهار تورم و دیگر اهداف نرخ‌گذاری را محقق سازد. ضمن آنکه این نوع نرخ‌گذاری به واسطه مشکلاتی چون قدرت خلق پول بانکها و مشکلات شورای پول و اعتبار، عملاً مصلحت‌محور، بدون ضابطه و بدون نگاه به

متغیرهای اساسی کشور شکل گرفته است. از این رو، باید به دنبال شیوه‌ای از تعیین نرخ سود باشیم که از چند ویژگی برخوردار باشد:

اولاً، اشکالات فقهی - حقوقی و اقتصادی نرخ‌گذاری صلاح‌دید را نداشته باشد؛

ثانیاً، زمینه را برای نظارت و هدایت و اثرگذاری نرخ سود فراهم کند؛

ثالثاً، متناسب با شرایط اقتصادی، قابلیت تطبیق و انعطاف‌پذیری داشته باشد؛

رابعاً، در شرایط مختلف اقتصادی آثار تثبیت‌کننده‌ای در اقتصاد داشته باشد.

به نظر می‌رسد که منشأ مشکلات تعیین نرخ سود در نظام بانکی کشور، تعیین آن به صورت کاملاً صلاح‌دید است. یکی از گزینه‌های پیش‌رو برای مواجهه با این مشکل استفاده از روش تعیین سود به شیوه دستوری قاعده‌مند است. این رویکرد، متکی بر انتقال از سیاست‌گذاری پولی از شیوه صلاح‌دید به شیوه قاعده‌مندی است

لذا راهکاری که در این تحقیق پیشنهاد می‌گردد نرخ سود قاعده‌مند با الهام از رابطه تیلور است. توضیح اینکه رسالت اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کاربرد سیاست‌های پولی و اعتباری به منظور فراهم کردن شرایط مساعد برای پیشرفت اقتصادی کشور است. در این مسیر، حفظ ثبات ارزش پول و تعادل در موازنه پرداخت‌ها همراه با رشد مداوم و پایدار اقتصادی از طریق اجرای سیاست‌های پولی از اهم اهداف آن به شمار می‌رود. یکی از راه‌های اجرای سیاست پولی برای رسیدن به اهداف فوق بر اساس ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی، نرخ سود است که تعیین آن با الهام از قاعده تیلور بر اساس مدل قاعده‌مند می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی برای رسیدن به اهداف سه گانه مطابق قانون پولی و بانکی (۱). حفظ ارزش پول؛ ۲. رسیدن به رشد اقتصادی و ۳. تعادل در تراز پرداختها) مورد

۱. بر اساس قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱، هدف اصلی بانک مرکزی حفظ ارزش پول، تعادل در تراز پرداخت‌ها، تسهیل مبادلات تجاری و کمک به رشد اقتصادی است.

استفاده قرار گیرد و اثرات تثبیت‌کننده‌ای در اقتصاد داشته باشد. مدلی که هم متناسب با شرایط اقتصادی قابلیت انعطاف‌پذیری دارد و در مقابل شوک‌های غیرمنتظره واکنش مناسب نشان می‌دهد و همچنین نظام سیاست پولی را در مسیر قاعده مندی و پیروی از نظم و برنامه هدایت می‌کند.

قاعده تیلور گرچه برای بهره در نظام مالی سرمایه‌داری تنظیم شده، ولی به دلیل ایجاد ارتباط میان نرخ بهره و متغیرهای واقعی می‌تواند برای نرخ سود الهام‌بخش باشد. این قاعده معروف‌ترین تصریح تابع عکس‌العمل بانک مرکزی است که بر اساس آن مقامات پولی در یک نظام وام‌دهی با بهره از طریق تغییر در نرخ بهره اسمی (به عنوان یک ابزار سیاستی)، نسبت به انحراف تولید و تورم از مقادیر هدف، عکس‌العمل نشان می‌دهند.

منابع

الف) فارسی

۱. دادگر، یدالله، عبدالرضا علیزاده و محمود زمانی؛ (۱۳۹۷) «بازشناسی عدالت معاوضی از دیدگاه مطلوبیت‌گرایی»، حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ص ۷ - ۳۹.
۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم؛ (۱۳۹۵) فقه و قانون‌گذاری؛ قم، کتاب طه، چاپ اول.
۳. صانعی، پرویز؛ (۱۳۵۵) حقوق و اجتماع؛ تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپ اول.
۴. علیزاده، عبدالرضا؛ (۱۳۹۴)، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم.
۵. کوئن، بروس؛ (۱۳۷۲) مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۶. ملکیان، مصطفی؛ (۱۳۸۹)؛ مهر ماندگار، تهران، نگاه معاصر، چاپ دوم.
۷. هاشمی، سیدمحمد؛ (۱۳۷۰) نگرشی بر قانون جدید کار جمهوری اسلامی ایران؛ ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ب) انگلیسی

8. - Cotterrell, Roger; (1984) The Sociology of Law: An Introduction, Butterworths, London.
9. - Kung, Hans and Karl-Josef Kuschel; (1993), A Global Ethic, The Declaration of the Parliament of the World's Religions; R. Piper GmbH & CoKG, Munich.

10. - Parsons, Talcott; (1954) "A Sociologist Looks at the Legal Profession"; In: Essays in Sociological Theory, Glencoe, IL, The Free Press.
11. - Trevino, A. Javier; (1996) The Sociology of Law, Classical and Contemporary Perspectives, St. Martin's Press, New York